

## نمود اجتماعی شخصیت‌ها در افسانه‌های ایرانی

این مقاله، بخشی از رسالهٔ دکتری مؤلف با نام «ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی ایرانی» است که در ۱۳۸۴ به راهنمایی دکتر علی محمد حق‌شناس، در دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران تنظیم شده است. در این رساله، صد افسانهٔ جادویی ایرانی، براساس نظام پیشنهادی ولادیمیر پراپ، ریخت‌شناس روس، تجزیه و تحلیل شده و نتایج حاصله در جداولی که در پایان اثر جای گرفته‌اند، به اختصار ذکر شده است.

اولریش مارزلف در مقدمهٔ کتاب ارزشمند طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی، به اختصار دربارهٔ نمود شخصیت‌ها سخن گفته است. باید گفت که مقصود از افسانهٔ جادویی یا قصهٔ پریان (Fairy Tale)، داستانی است که در جهانی غیر واقعی و خیالی رخ می‌دهد ولی وقایع باورنکردنی آن، از دید قهرمان قصه، کاملاً طبیعی و باورپذیر است. با بررسی صد نمونه از این افسانه‌ها در منابع فارسی موجود، چهار شخصیت در افسانه‌های جادویی شناسایی شد: قهرمان، شریر، یاریگر، شاهزاده خانم، سیر حوادث معمولاً به گونه‌ای است که قهرمان، به کمک یاریگر، مشکلی را که شریر به وجود آورده کارسازی می‌کند و به شاهزاده خانم دست می‌یابد. در این مقاله، به بررسی چهره‌ها و عناصری از جامعهٔ ایرانی می‌پردازیم که در قالب چهار شخصیت یاد شده به ایفای نقش می‌پردازد.

**(۱) قهرمان.**<sup>(۱)</sup> در افسانه‌های جادویی ایرانی، قهرمان دو خاستگاه اجتماعی متفاوت دارد: الف - از افراد برترین طبقهٔ جامعه، یعنی خاندان ثروتمند حکومتی است. در ۳۰ افسانه، قهرمان شاهزاده، شاه یا پسر حاکم است و ثروت و اقتدار فراوان دارد. در چهار افسانه هم پسر تاجر قهرمان است. ب - در هفتاد درصد باقیماندهٔ داستانها، قهرمان از میان مردمان فرودست جامعه برخاسته و در بیشتر این قبیل موارد، از فقیرترین افراد است. در این گونه، قهرمان در چهرهٔ خارکن، چوپان، ماهیگیر، آبکش یا به‌طور کلی آدمی فقیر و بدبخت ظاهر می‌شود. در افسانه‌هایی که قهرمان، دختر است هم، با همین وضعیت روبرو هستیم. دختر داستان، یا دختر

آدمهای فقیر و بی چیز است یا دختر شاه و حاکم و تاجر. در برخی از موارد هم هیچ اشاره‌ای به طبقه اجتماعی قهرمان نمی‌شود و شخصیت‌ها در قالبی نکره وارد داستان می‌شوند: مردی، جوانی، دختری و ... (۲).

**۲) شریر.** شخصیت‌های شرور در افسانه‌های ایرانی بیش از همه خویشاوندان قهرمان، به‌خصوص بستگان مؤنث هستند. در ۳۴ افسانه، شریر پدر، برادرها، خاله، خواهرها، هوو، نامادری، مادرشوهر،... هستند. در یک مورد<sup>(۳)</sup> مادر، و در دو مورد<sup>(۴)</sup> وصیت مادر، مشکل‌ساز می‌شود: مادر هنگام مرگ وصیت می‌کند انگشترش به دست هر کس اندازه شد، شوهرش با او ازدواج کند. انگشتر فقط به دست دخترشان اندازه می‌شود. البته در این موارد، شریر اصلی پدر است. در بقیه افسانه‌ها مادر یاور و حامی قهرمان است و حتی پس از مرگ هم از فرزندش حمایت و او را راهنمایی می‌کند.<sup>(۵)</sup> در داستانهایی که قهرمان دختر است، گاه کنیزها دشمن خو و شیریند و معمولاً خود را به جای قهرمان جا می‌زنند. نقش شریر را گاهی هم همسر قهرمان (= شاهزاده خانم) دارد. وی در این قبیل موارد با طلسم یا زندانی کردن برادران قهرمان، آسیب رساندن به خود او، فرار از همسر و ناپدید شدن، یا با فرستادن قهرمان به دنبال رازی سر به مهر، مشکل آفرینی می‌کند.

پس از خویشاوندان و بستگان، بیش از همه دیو شرارت می‌کند و با ایجاد مشکل در ابتدای داستان، عنصری ضد قهرمان به شمار می‌آید. دیو با وجود خصلت‌های جادویی و توانمندی خارق‌العاده‌اش، در بیشتر موارد با فریب و حيله از پای درمی‌آید. وی مظهر قدرت و حماقت است. پس از دیو، نویت به پادشاه و وزیر می‌رسد که سد راه قهرمان (معمولاً قهرمان فقیر) می‌شوند و برای نابود کردن او نقشه‌هایی می‌کشند. البته این دسیسه‌ها همیشه با زیرکی قهرمان یا با کمک یاریگران و عوامل جادویی نقش بر آب می‌شود.

سایر شخصیت‌های شریر به ترتیب عبارتند از: صاحبان مشاغل (ملای مکتب، قاضی، تاجر، رئیس قافله)، پیرزن، درویش. این دو چهره اخیر، رفتاری دوگانه دارند. در برخی افسانه‌ها یاور و راهنمای قهرمان هستند و در برخی دیگر، کارکردهای شریرانه دارند. گاه در یک افسانه با دو پیرزن روبرو می‌شویم که یکی یاریگر و دیگری شریر است.<sup>(۶)</sup> درویش هم در چهره شرارت آمیزش، جادوگر یا دیوی است که تغییر لباس داده و به آدمیان آسیب می‌رساند.

**۳) یاریگر.** یاریگران یا افراد و موجوداتی هستند که صفات جادویی دارند؛ یا عاملی جادویی در اختیار قهرمان می‌گذارند تا به کمک آن، مشکلی برطرف شود؛ یا جادویی نیستند و ابزار جادویی هم ندارند ولی در حل مسائل و دشواریها به قهرمان کمک می‌کنند. در افسانه‌های جادویی ایرانی، یاریگران به ترتیب حضور و اهمیت عبارتند از:

الف - جانوران. یا متعلق به قهرمان هستند، یا آنها را می‌خرد، یا در قبال خدمتی که برایشان

انجام می‌دهد، خود را در اختیار قهرمان می‌گذارند. حیواناتی که بدون چشمداشت و منفعتی قهرمان را راهنمایی می‌کنند، معمولاً پرندگان ( کبوتر، گنجشک،...) هستند که روی درختی که قهرمان در سایه آن خوابیده می‌نشیند و درباره مشکل قهرمان و راه حل و رفع آن با یکدیگر سخن می‌گویند. قهرمان از سخنان آنها، راه چاره را می‌فهمد و بدان وسیله به مقصود می‌رسد. سیمرغ همیشه در قبال اینکه قهرمان، جوجه‌هایش را از خطر نجات داده، او را از جایی به جای دیگر می‌برد و در سایر مواقع با آتش‌زدن یکی از پرهایش حاضر می‌شود و کمک می‌کند. برخی دیگر از جانوران یاریگر اسب، سگ، گربه، ماهی، مورچه، روباه و شیر هستند.

ب - دیو. گفتیم که معمولاً دیو شخصیت شریر افسانه‌هاست. با این حال گاهی هم به کمک قهرمان می‌آید. بیشتر اوقات این کمک در قبال کاری است که قهرمان برایش انجام داده: قهرمان مادر دیوها را می‌شوید و تیمار می‌کند؛<sup>(۷)</sup> گاهی دیو در کشتی از قهرمان شکست می‌خورد و غلامش می‌شود؛<sup>(۸)</sup> گاهی هم بدون هیچ دلیل و انگیزه‌ای یاور قهرمان است: دیو سه شیء سلیمانی به قهرمان می‌دهد و می‌گوید اینها را نزد من امانت داشته باش.<sup>(۹)</sup>

ج - یاریگران غیر جادویی. انسانهایی معمولی هستند که در هنگام لزوم به صحنه می‌آیند و به قهرمان کمک می‌کنند. در این گروه بستگان قهرمان (برادر، خواهر، مادر...)، رهگذرها و صاحبان مشاغل پایین و کم درآمد (ماهگیر، آسیابان، چوپان...) قرار دارند.

د - درویش. قبلاً نام درویش را ذیل چهره‌های شریر ذکر کردیم. درویش از جمله شخصیت‌هایی است که نقش‌های هم‌پوشانی دارند. درویش علاوه بر شرارت، راهنمایی و کمک هم می‌کند و در این صورت کارکردهای متفاوتی نشان می‌دهد. درویش در چهره یاریگر، معمولاً سببی جادویی به شاه بی‌فرزند می‌دهد که با خوردن آن، شاه و همسرش بچه‌دار می‌شوند. ه - پیرزن و پیرمرد. سوای از پیرمردها که همیشه نقش یاور و یاریگر را دارند، پیرزنها نیز، مثل درویش، عملکردی دوگانه دارند. آنها در نقش یاریگر، با دانش غیبی خویش و با دادن اطلاعات لازم، در رفع مشکل کمک می‌کنند. در مواقعی که قهرمان در جستجوی عروس خویش است، پیرزن که معمولاً دایه و محرم دختر است و از تمام اسرار او خبر دارد، در قبال گرفتن پول و جواهر، اسباب وصال را فراهم می‌کند.

و - رفقای خارق‌العاده. خصلت‌هایی شگفت و باور نکردنی دارند، از جمله پرخوری، پرنوشتی، احساس نکردن گرما و سرما، توانایی حرکت و جابجایی سریع و قدرت بدنی فوق انسانی. برخی از این رفقا با دانش خویش به کمک قهرمان می‌آیند: دوست ستاره‌شناس رصد می‌کند و می‌فهمد که ستاره قهرمان دچار افول شده و مشکلی پیش آمده؛ به کمک می‌آید و قهرمان را نجات می‌دهد.<sup>(۱۰)</sup> غلام‌های تحت فرمان قهرمان هم گاه یاریگر اویند. البته در این موارد غلام یا دیوزاد<sup>(۱۱)</sup> است یا نیروی خارق عادت دارد.<sup>(۱۲)</sup>

ز - نکته جالب آنکه در دو افسانه، شیطان یاور قهرمان است. در یکی با آموختن اسم اعظم به قهرمان - کچل او را فریب می‌دهد و اسم اعظم را می‌آموزد - او را قادر به حل مشکل می‌کند.<sup>(۱۳)</sup> در نمونه دیگر شیطان به مرد خسیسی که در راه او صدقه داده است کمک می‌کند تا از قاضی ظالم انتقام بگیرد.<sup>(۱۴)</sup>

آخرین انواع یاریگران، اشیا هستند. سنگ غلتان، چاله گنداب، درهای باز و بسته از این دستند.

**۴) شاهزاده خانم.** شخصیت شاهزاده خانم را، مانند شخصیت قهرمان، می‌توان براساس خاستگاهش طبقه‌بندی کرد. تقریباً در نیمی از افسانه‌های بررسی شده، همسر آینده قهرمان از خاندان سلطنتی و شاهزاده است و در موارد بسیار کمتری فرزند وزیر، وکیل، تاجر یا کدخداست، یعنی در هر حال کسانی که از نوعی اقتدار مالی و اجتماعی برخوردارند. در سایر موارد همسر از پریان یا جنیان است. یا فرزند شاه پریان است یا صرفاً با صفت پریزاد از او یاد می‌شود. در موارد اندکی هم هیچ اشاره‌ای به خاستگاه شاهزاده خانم نمی‌شود. در ۱۷ افسانه، شاهزاده خانم، قبل یا بعد از ازدواج، یاور قهرمان است. در مواقعی که شاهزاده خانم پریزاد است، یاریهایش حالت جادویی دارند.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- به نوشته پرفسور مارزلف، قهرمان داستانهای ایرانی یا کچل است یا کوسه یا پسرخارکن یا شاهزاده، نگاه کنید به طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی، ص ۴۲.
- ۲- همان، ص ۴۲-۴۷.
- ۳- «خانم ناری»، ابوالقاسم فقیری.
- ۴- «شاهزاده و آهو»، انجوی، ج ۳؛ «پی سوز و شاهزاده»، فقیری.
- ۵- «فاطمه کوچیکو»، لوریمر.
- ۶- «حسن خاک‌باز»، خزاعی، ج ۲.
- ۷- «یوسف شاه پریان و ملک احمد»، انجوی، ج ۲.
- ۸- «برگ مروارید»، انجوی، ج ۱.
- ۹- «دختر گلستان عرب»، خزاعی، ج ۷.
- ۱۰- «جوان تیغ»، وکیلان.
- ۱۱- «غلام دیوزاد»، خزاعی، ج ۱.
- ۱۲- «کاکاسیاه و پسر پادشاه»، هدایت.
- ۱۳- «کچل و شیطان»، انجوی، ج ۱.
- ۱۴- «شیطان و مرد خسیس»، انجوی، ج ۳.

## منابع

- ۱- انجوی شیرازی، ابوالقاسم، *قصه‌های ایرانی*، ج ۱، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۵۶.
- ۲- انجوی شیرازی، ابوالقاسم، *قصه‌های ایرانی*، ج ۲، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۵۳.
- ۳- انجوی شیرازی، ابوالقاسم، *قصه‌های ایرانی*، ج ۳، امیرکبیر.
- ۴- خزاعی، حمیدرضا، *افسانه‌های خراسان*، ج ۱، انتشارات ماه جان، چاپ اول، مشهد، ۱۳۷۸.
- ۵- خزاعی، حمیدرضا، *افسانه‌های خراسان*، ج ۲، انتشارات ماه جان، چاپ اول، مشهد، ۱۳۷۹.
- ۶- خزاعی، حمیدرضا، *افسانه‌های خراسان*، ج ۷، انتشارات ماه جان، چاپ اول، مشهد، ۱۳۸۲.
- ۷- فقیری، ابوالقاسم، *قصه‌های مردم فارس*، نشر سپهر، ۱۳۴۹، تهران.
- ۸- لوریمر، و. ل، *فرهنگ مردم کرمان*، به کوشش فریدون وهمن، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.
- ۹- مارزلف، اولریش، *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- ۱۰- وکیلان، احمد، *قصه‌های مردم*، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۱۱- هدایت، صادق، *فرهنگ عامیانه مردم ایران*، گردآوری جهانگیر هدایت، نشر چشمه، چاپ اول، ۱۳۷۸.

## برای تهیه برخی از آثار فرهنگ مردم می‌توانید با دفتر فصلنامه فرهنگ مردم تماس حاصل نمایید:

۱- *جان عاریت*؛ مروری بر زندگی و برخی از سخنرانی‌ها و گفتارهای آغازین برنامه فرهنگ مردم رادیو «استاد انجوی شیرازی» از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ - نشر فرزانه روز

۲- *برخی از آثار سیداحمد وکیلان*:

● *رمضان در فرهنگ مردم*، متل‌ها و افسانه‌های ایرانی، تمثیل و مثل (انتشارات سروش)

● *سرزمین افسانه‌ها به روایت امروز و دیروز*، توپوز قلی میرزا (نشر ثالث)

● *قصه‌های مشدی گلین خانم* (نشر مرکز)